

# تجویز نسخه کاهش ارزش ریال برای افزایش صادرات!

ادعای کاهش صادرات به دلیل اجرای سیاست‌های تثبیت اقتصادی بانک مرکزی، مطابق آمارهای تجاری رد می‌شود



## گزارش

گسترش صادرات و تقویت تولید داخل همواره یکی از مؤلفه‌های توسعه اقتصادی و تداوم رشد اقتصادی بوده است. پیش‌بینی‌پذیر بودن فضای اقتصاد کلان یکی از لازمه‌های بستر تقویت تولید است و در صورت نوسان مداوم متغیرهای اثرگذار بر تولید، علاوه بر اینکه فرایند ساخت محصولات داخلی را تضعیف خواهد کرد، منجر به از بین رفتن توان صادراتی کشور نیز می‌شود. با توجه به اینکه نرخ ارز به عنوان یکی از کلیدی‌ترین متغیرهای اثرگذار بر میزان هزینه تمام شده، بخش قابل توجهی از محصولات است و در اقتصاد ایران نرخ ارز نقش لنکر اسمی تورم را ایفا می‌کند، بانک مرکزی از انتهای سال گذشته سیاست تثبیت اقتصادی را به منظور ایجاد ثبات در نرخ ارز و حفظ ارزش پول ملی در پیش گرفت تا علاوه بر اینکه میزان هزینه تمام شده محصولاتی که ارزیابی بالایی دارند، افزایش نیابد، سطح انتظارات تورمی را نیز به منظور مهار تورم کاهش دهد. در این میان برخی این تئوری را مطرح می‌کنند که با کاهش ارزش پول ملی، توان صادراتی کشور افزایش خواهد یافت و مدعی می‌شوند سیاست‌های بانک مرکزی، منجر به کاهش میزان صادرات در شش ماهه نخست سال جاری شده است. پیش از آنکه از منظر ادبیات

اقتصادی، عدم تحلیل درست سیاست پیشنهاد شده این دیدگاه را مورد بررسی قرار دهیم، بهتر است صحت ادعای این افراد در رابطه با کاهش صادرات را مورد ارزیابی قرار دهیم. بررسی داده‌های تجاری کشور در ۶ ماهه ابتدایی سال جاری بیانگر این موضوع است که میزان صادرات از لحاظ وزنی نه تنها کاهش نیافته است، بلکه با رشد قابل توجهی نیز همراه بوده و ۲۹ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش یافته است. از لحاظ ارزشی نیز میزان صادرات تنها دو درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته کاهش داشته که علت آن مربوط به اقدامات بانک مرکزی نبوده است، بلکه به دلیل کاهش ارزش‌های جهانی محصولات در حوزه پتروشیمی و نفت بوده که بخش عمده‌ای از صادرات ایران را شامل می‌شود. این عامل موجب شد تا در ۶ ماهه ابتدایی سال جاری با وجود رشد وزنی حجم صادرات، با افت ارزشی در میزان صادرات مواجه باشیم.

بررسی دقیق‌تر روند صادرات بر اساس وزن در ۶ ماهه ابتدایی سال جاری، در مقایسه با ۶ ماهه سال گذشته نشان می‌دهد که در تمامی مدت، حجم صادرات در سال ۱۴۰۲ بیشتر از مدت مشابه در سال گذشته بوده است و مقایسه ارزشی میزان صادرات نیز از برابری تقریبی ارزش صادرات در ۶ ماهه ۱۴۰۲ نسبت به ۱۴۰۱ حکایت دارد. ارزیابی ارقام صادراتی بخش‌های

مختلف نشان از افزایش وزنی در میزان صادرات در بخش‌های معدن و صنایع معدنی، پتروشیمی و پایه نفتی و صنعت در ۶ ماهه ابتدایی سال جاری نسبت به ۶ ماهه ابتدایی سال گذشته دارد. آمارهای تجاری بیانگر رشد ۴۳ درصدی صادرات محصولات معدن و صنایع معدنی و رشد ۲۳ درصدی محصولات پتروشیمی و پایه نفتی در سال جاری است. همچنین در تمامی بخش‌های صادراتی نیز بجز بخش پتروشیمی که پیش‌تر علت آن بیان شد، با رشد ارزشی در مقدار صادرات مواجه بودیم. به طوری که در بخش کشاورزی با وجود کاهش ۴ درصدی میزان صادرات به لحاظ وزنی، با رشد ۲۲ درصدی صادرات بر اساس ارزشی مواجه بودیم.

### شرط مارشال لرنر در اقتصاد ایران برقرار نیست

پس از رد ادعای گروهی که مدعی بودند به دلیل اجرای سیاست‌های تثبیت اقتصادی میزان صادرات کاهش یافته است و مشخص شد که بر پایه آمارهای تجاری، مقدار صادرات با رشد ۲۹ درصدی مواجه شده است، در ادامه به بررسی نظری تجویز سیاستی این گروه افراد مبتنی بر ادبیات علم اقتصاد نسبت به کاهش ارزش پول ملی به منظور افزایش صادرات خواهیم پرداخت. سیاست کاهش ارزش پول ملی یک کشور با هدف بهبود وضعیت تجاری یا جبران کسری تراز پرداخت‌ها از طریق افزایش صادرات

و کاهش واردات یکی از نظریه‌های مرسوم در فضای ادبیات اقتصادی است، اما مطالعات مختلف نشان داده که اجرای سیاست کاهش ارزش پول ملی، اثرات متفاوتی را بر تراز پرداخت‌های کشورهای در حال توسعه به دنبال داشته است. اثر کاهش ارزش پول ملی بر تراز تجاری به برقراری شرط مارشال لرنر و سیاست‌های پولی و مالی اجرا شده در زمان اجرای این سیاست ارتباط دارد. شرط مارشال لرنر با تکیه بر شرط ثبات بازارها بیان می‌کند که اگر مجموع قدرمطلق کشش تقاضای واردات و صادرات نسبت به نرخ ارز بزرگ‌تر از یک باشد  $(|\eta_X + \eta_M| < 1)$  که در این رابطه  $\eta_X$  کشش صادرات نسبت به نرخ ارز و  $\eta_M$  کشش واردات نسبت به نرخ ارز است (بازار ارز با ثبات بوده و کاهش ارزش پول منجر به بهبود تراز تجاری می‌شود. در حالی بررسی مطالعات مختلف که نتایج حاصل از برآورد دو تابع صادرات و واردات است، برقراری شرط مارشال لرنر در ایران را در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأیید نمی‌کنند و در نتیجه انتظار می‌رود که اجرای سیاست کاهش ارزش پول ملی، تراز پرداخت‌ها در ایران را متأثر نکند. با توجه به اینکه شرط مارشال لرنر در ایران برقرار نیست و در نتیجه سیاست تنزیل پول ملی به بهبود تراز پرداخت‌ها کمک نمی‌کند، بایستی با توجه به ساختار نهاده‌ای بخش تولید کالا (به خصوص وابستگی زیاد آن به واردات کالاهای سرمایه‌ای



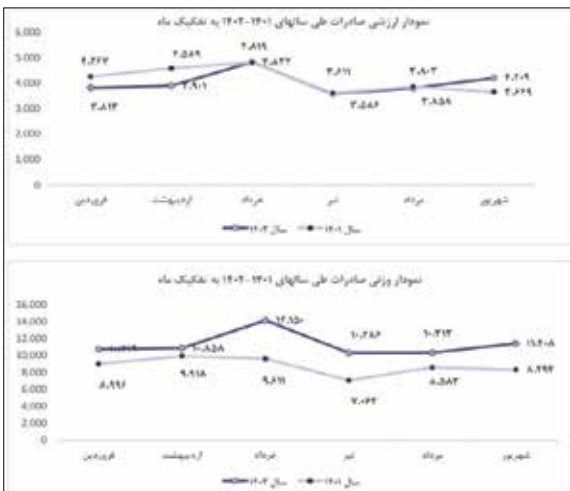
نه تنها حجم صادرات در ۶ ماهه ابتدایی امسال کاهش نیافته، بلکه رشد ۲۹ درصدی را نیز تجربه کرده است



شرط مارشال لرنر در اقتصاد ایران برقرار نیست، بنابراین سیاست کاهش ارزش پول ملی به بهبود تراز پرداخت‌ها کمک نمی‌کند

و واسطه‌ای) و سیاست‌های پولی و مالی وضعیت تراز پرداخت‌ها را بهبود بخشید. راهکارهایی همچون کاهش هزینه تولید و بهبود بهره‌وری عوامل به ارزان شدن صادرات کمک می‌کند، همچنین کاهش وابستگی تولید به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای می‌تواند شرایط برقراری شرط مارشال لرنر را فراهم کند تا در صورت اجرای سیاست تنزیل پول

ملی، امکان بهبود تراز پرداخت‌ها فراهم شود. بنابراین تجویز این سیاست در مقطع کنونی صحیح نبوده و سیاست تثبیت اقتصادی با افزایش قدرت پیش‌بینی‌پذیری در اقتصاد ایران و جلوگیری از افزایش هزینه تمام شده بخش قابل توجهی از محصولات صادراتی، سیاستی در راستای تقویت تولید داخل و بستر توسعه صادرات بوده است.



### آیا از میزان صادرات کاسته شده است؟

بررسی داده‌های تجاری کشور در ۶ ماهه ابتدایی سال جاری بیانگر این موضوع است که میزان صادرات از لحاظ وزنی نه تنها کاهش نیافته است، بلکه با رشد قابل توجهی نیز همراه بوده و ۲۹ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش یافته است. از لحاظ ارزشی نیز میزان صادرات تنها دو درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته کاهش داشته که علت آن مربوط به اقدامات بانک مرکزی نبوده است، بلکه به دلیل کاهش ارزش‌های جهانی محصولات در حوزه پتروشیمی و نفت بوده که بخش عمده‌ای از صادرات ایران را شامل می‌شود.



برش

## چه کسانی از نوسانات نرخ ارز سود می‌برند؟

### یادداشت

رضاعلامی  
اقتصاددان

بازار ارز در ماه‌های اخیر، روند باثباتی را طی کرده و در این میان، بانک مرکزی نیز با اجرای سیاست تثبیت اقتصادی، نقش خود را به خوبی ایفا کرد تا نرخ دلار در بازار در یک دامنه مشخصی، باثبات بماند. سال‌هاست که در فضای اقتصادی کشورمان، مردم به هر دلیل و بهانه‌ای منتظر افزایش نرخ ارز هستند زیرا منافع زیادی پشت این فضا سازی نهفته است. برخی بهانه‌ها را بزرگ‌نمایی می‌کنند تا منافع‌شان حداکثر شود، بنابراین بازار ارز همواره آبستن حوادث است. اخیراً

فعالان بازار شاهد نوسان نرخ ارز در بازار غیررسمی بودند، این در شرایطی رقم خورد که در متغیرهای بنیادی پولی و ارزی، اتفاق نشان می‌دهد که در تمامی تقاضا، انقاضی در کوتاه‌مدت نیفتاده است، بنابراین تغییرات و نوسانات اخیر نرخ ارز، متأثر از حوادث بین‌المللی و جنگ غزه است. از سوی دیگر، نباید از فاکتور مهم دیگری به نام تقاضای احتیاطی چشم‌پوشی کرد، به بیان دیگر تولیدکننده در این شرایط متغیر مهمی است. یک تولیدکننده که کارخانه‌ای دارد و هزار کارگر نیز در آنجا مشغول فعالیت و کار هستند، معطل یک میلیون دلار قطعه نمی‌ماند، بنابراین وقتی ببیند که بازار نوسانی است، سریع خرید می‌کند.

برای این تولیدکننده تفاوت نرخ مهم نیست و در نتیجه وقتی فضای بازار نوسانی می‌شود، وارد بازار می‌شود. بنابراین رفتار تولیدکننده نیز بخشی از متغیرهای واقعی بازار را تغییر می‌دهد. یعنی مجموعه‌ای از اتفاقات نظیر پیشینه تاریخی مبنی بر انتظارات افزایش نرخ ارز، منفعت‌طلبی برخی افراد و گروه‌ها، حوادث و درگیری‌های بین‌المللی و در نهایت تقاضای احتیاطی (یک تولیدکننده)، باعث می‌شود که در یک بازه زمانی همچون هفته قبل، نرخ ارز با نوسان افزایشی مواجه شود. با توجه به دیپلماسی اقتصادی بانک مرکزی و آزادسازی میلیاردها دلار منابع ارزی کشور، دست سیاست‌گذار ارزی کشورمان پُرتر و مقتدرتر از گذشته است، به گونه‌ای که برخلاف گذشته،

بازارها در کنترل و رصد بانک مرکزی است. رئیس‌کل بانک مرکزی هم به بازار ارز مسلط شده و از سوی دیگر، بخشی از عوامل مُخل بازار همچون صرافی‌های غیرمجاز و متخلف نیز ساماندهی شده‌اند، بنابراین با توجه به این مسائل، هرگونه نوسانات هیجانی زودگذر در بازار ارز فروکش خواهد کرد و بازار به سادگی از دست بانک مرکزی رها نخواهد شد. برخلاف سال‌های قبل، به نظر می‌رسد در این شرایط، مردم خریدی در بازار ارز ندارند و صرفاً گروه کوچکی در بازار هستند و عمق این بازار هم اندک است. وقتی عده‌ای وارد این بازار کم‌عمق شوند، بازار غیررسمی دچار نوسان و تکان می‌شود. بانک مرکزی مقتدرانه در حال رصد بازار و مدیریت آن است، این در حالی است

که در دوره‌های قبل، اقتداری در بانک مرکزی وجود نداشت و بازار ارز به هر سمتی که می‌خواست، حرکت می‌کرد و یک عده هر کاری که می‌خواستند با بازار ارز انجام می‌دادند اما دیگر از این خبرها نیست. زیرا بانک مرکزی مقتدر است. درست است که هنوز چند نرخ بودن ارز وجود دارد، ولی اقتدار سیاست‌گذار بالا رفته است. دستش هم پُرتر و دانش فنی هم بیشتر شده و همچنین عوامل مُخل کمتر از گذشته است، بنابراین در مجموع این عوامل، بانک مرکزی می‌تواند بازار را مدیریت کند. با مروری بر تجربه تلخ گذشته و ضرر مردم از ریسک بازار سرمایه، حالا عموم مردم در این شرایط، اهل ریسک در بازار ارز نیستند و از تجربه ریسک در بازار سهام و آسیبی که دیدند، متوجه

هستند اگر در بازار پُرسیک ارز وارد شوند، آسیب می‌بینند و به همین دلیل وارد این فضاها نمی‌شوند و صرفاً گروهی خاص با تعداد کمی به بازار کم‌عمق ارز وارد می‌شوند که بایستی بانک مرکزی با همکاری دستگاه‌های امنیتی، به این حوزه هم ورود کند تا مشخص شود چه کسانی از نوسانات نرخ ارز منفعت می‌برند و به دنبال افزایش نرخ ارز هستند. بانک مرکزی دو ابزار بسیار قوی دارد، یکی اینکه سیاست‌گذار است. یعنی می‌تواند تعیین کند که به چه نیازی ارز تخصیص دهد، دوم اینکه الان دستش پُرتر از قبل است و منابع و ذخایر ارزی بسیار خوبی دارد. هر چقدر منابع ارزی بانک مرکزی بالاتر باشد، اقتدار آن هم بیشتر و بالاتر است و توان



اعمال سیاست بیشتری نیز دارد. در این صورت، سیاست‌هایی که تعیین می‌کند، قوی‌تر عملیاتی می‌شود و اقتدارش هم تقویت می‌شود. به نظر می‌رسد که بانک مرکزی از هر دو ابزار استفاده می‌کند و تا به امروز هم در این باره موفق بوده است. هر چند با نقطه ایده‌آل فاصله است اما بازاری که در گذشته به هر قیمتی که اعلام می‌شد واکنش نشان می‌داد، دیگر در آن حالت نیست و شرایط نسبت به گذشته فرق کرده است.